

باز رست بروم هر روز  
خواه ازین سر غم ترا  
بشمار تمام خلق من  
از خوش طهور باو کرد

و صل علی محمد عدا که ما جری به القلم فو علم  
عینک و ما تجری به لای یوم القيمة و صل  
علی محمد عدا که القطر و الطیر

صلوات خدا بر هر دم  
بر بهام خبر در علوم نهان  
بشمار هر آنچه زودم  
یعنی علمت بخواجه و جهان  
و آنچه باو نم کنون بود  
تا برود جزو اسیر بود  
رست تو بخواجه و جهان  
قد را عدد از قطره باران

و صل علی محمد عدا که من یحیدک و لی شکرک  
و یحیدک و یحیدک و لیقیمه انک انت الله

رست بخواجه و دوسرا  
محمد کو نیز شکر تو هم  
بشمار هر کس با نکر ترا  
بیشمار کفنه در همه دم  
هم شهادت من بر فانی من  
که تو رب عالمی  
صل علی محمد عدا که ما صلیت علیه انت

و مکتبه

و ما یحیدک و صل علی محمد عدا که من صلی  
علیه من خلقک و صل علی محمد عدا که  
من که یصلی علیه من خلقک

باز رست بروم بسید  
جانب و حسیه عالم  
بشمار هر آنچه رست  
خود و سنانم که کرم  
نیز رست بروم بقدر کرمی  
که ز غلقت رو و کفنی  
باز رست بروم هر چه باو  
بشمار کسی که ز غلقت  
نیز از خلق است از ما را  
نفس سناوه بر شمشیر کلاه

و صل علی محمد عدا که الجبال و الترمال و  
الغصی و صل علی محمد عدا که الشجر

و اوتراقتها و المکر و انقیالها

بر حسیه در و در جهان  
هم بمقدار سنگ زه  
بشمار هر چه جبال و ترمال  
بیشمار در کوه و سنگ  
بشمار در و باز در آن  
بر و از سوراخ و آب جو  
هم بقدر کلخ و زنج او

Copyrighted by King Fahd University